Jurisprudence and politics
ISSN: 2717-3569
EISSN:2717-3577

Designing a Model of Resistance Governance: A Jurisprudential Approach to Future Scenarios of the Islamic Political System*

Sajjad Soltani Rezaei Sir
Department of Political Science, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran.
alirzai222hhgg@gmail.com

Abstract

Resistance governance, as a model rooted in jurisprudential foundations and embodied in the experience of the Islamic Revolution of Iran, offers a theoretical potential to address the uncertain futures of the Islamic political system. The central problem of this study is to explain the jurisprudential foundations of resistance governance and explore their application to scenario planning for the future of the Islamic political system. Its principal questions are: What are the jurisprudential foundations of resistance governance, and how can plausible scenarios for the future of the Islamic political system be developed on their basis? The study aims to design a model of resistance governance grounded in a jurisprudential approach and to develop plausible scenarios for the future of the Islamic political system using scenario-planning methodology. Adopting a descriptive-analytical approach and employing the scenario-planning technique, the study first explains the jurisprudential foundations of resistance governance through four principles: the *nafy al-sabil* (prohibition of domination) rule, the obligation to preserve the political and social order, the prevention of probable harm, and the negation of undue hardship. It then identifies two key driving forces—internal cohesion and external pressure—and develops

* **Cite this Article**: Soltani Rezaei Sir, S. (2026). Designing a model of resistance governance: A jurisprudential approach to future scenarios of the Islamic political system. *Jurisprudence and Politics,* 7(2), pp. 233-267.
https://Doi.org/10.22081/ijp.2026.75954.1152

Article Type: Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran
Received: 2026/04/30 ● **Revised:** 2026/08/05 ● **Accepted:** 2026/08/24 ● **Published online:** 2026/09/30

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

four scenarios for the future of the Islamic political system: advancement and progress, resistance under pressure, transformation, and overthrow. The findings indicate that the resistance governance model has the capacity to facilitate the realization of a new Islamic civilization under the advancement and progress scenario. Under the resistance-under-pressure scenario, it can manage external pressures by relying on internal cohesion and a resistance economy. The study concludes that designing a model of resistance governance based on a jurisprudential approach is not only feasible but also an unavoidable necessity for systematic futurology in religious governance. Strengthening governmental jurisprudence, managing soft warfare, consolidating Islamic unity, and developing a resistance economy can serve as key strategies for achieving a desirable future.

Keywords
Resistance Governance; *Nafy al-Sabil* Rule; Islamic Futurology; Scenario Planning; Governmental Jurisprudence.

الفقه والسياسية
ISSN: ۲۷۱۷-۳۵۶۹
EISSN:۲۷۱۷-۳۵۷۷

تصميم أنموذج حوكمة المقاومة؛ مقاربة فقهيّة لسيناريوهات المستقبل للنظام الإسلامي*

سجاد سلطاني رضائي سير
قسم العلوم السياسية، كليّة الحوكمة، جامعة شاهد، طهران، إيران.
alirzai222hhgg@gmail.com

الملخص

يُعدّ «أنموذج حوكمة المقاومة» بوصفه نمواً منبثقاً من الأُسُس الفقهيّة والمُتجسّداً في التجربة العملية للثورة الإسلاميّة، طاقةً نظرية واعدة لمواجهة المستقبلات غير المحدّدة للنظام الإسلامي. وتتمثّل المسألة الرئيسة للبحث في تبيين الأُسُس الفقهيّة لحوكمة المقاومة وكيفية إعمالها في صياغة السيناريوهات المستقبلية للنظام الإسلامي، ويدور التساؤل الأساسي حول: ما هي الأُسُس الفقهيّة لحوكمة المقاومة، وكيف يمكن بناءً عليها وضع السيناريوهات المحتملة لمستقبل النظام الإسلامي؟ ويهدف البحث إلى تصميم أنموذج حوكمة المقاومة استناداً إلى مقاربة فقهيّة، وتقديم السيناريوهات المحتملة لمستقبل النظام الإسلامي بالاستعانة بمنهجيّة صناعة السيناريو (*Scenario Planning*). اعتمد البحث المنهج الوصفي التحليلي مع استخدام تقنية السيناريو، حيث عكف أولاً على تبيين الأُسُس الفقهيّة لحوكمة المقاومة عبر أربع قواعد كبرى: قاعدة «نفي السبيل»، و«وجوب حفظ النظام»، و«دفع الضرر المحتمل»، و«نفي الحرج». ثمّ قام بتحديد محرّكين أساسيين وهما: «الانسجام الداخلي» و«الضغط الخارجي»، ليُصيغ على أساسهما أربعة سيناريوهات محتملة لمستقبل النظام الإسلامي: سيناريو الترقي والتقدم، سيناريو المقاومة تحت الضغط، سيناريو الاستحالة والتآكل البنيوي، وسيناريو الإسقاط والانهيار. وتُظهر النتائج أنّ

* **الاستناد إلى هذه المقالة:** سلطاني رضائي سير، سجاد. (۲۰۲۶). تصميم أنموذج حوكمة المقاومة؛ مقاربة فقهيّة لسيناريوهات المستقبل للنظام الإسلامي. الفقه والسياسة، ۷(۲)، صص ۲۳۳-۲۶۷.
https://Doi.org/10.22081/ijp.2026.75954.1152

▣ **نوع المقال:** بحثية؛ **الناشر:** المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

▣ **تاريخ الإستلام:** ۲۰۲۶/۰۴/۳۰ ● **تاريخ التعديل:** ۲۰۲۶/۰۸/۰۵ ● **تاريخ القبول:** ۲۰۲۶/۰۸/۲۴ ● **تاريخ الإصدار:** ۲۰۲۶/۰۹/۳۰

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

أنموذج حوكمة المقاومة يمتلك القدرة في «سيناريو الترقي والتقدم» على تحقيق الحضارة الإسلاميّة الحديثة، وفي «سناريو المقاومة تحت الضغط» يستطيع – متكئاً على الانسجام الداخلي واقتصاد المقاومة – إدارة الضغوط الخارجية بكفاءة. ويخلّص البحث إلى أنّ تصميم أنموذج حوكمة المقاومة استناداً إلى المقاربة الفقهيّة لا يقتصر على كونِه أمراً ممكناً فحسب، بل يُعدّ ضرورةً حتميةً للدراسات المستقبليّة المنهجية في حوكمة الدين؛ كما أنّ تعزيز «الفقه الحكومي»، وإدارة الحرب الناعمة، وتوطيد الوحدة الإسلاميّة، وتطوير اقتصاد المقاومة تُمثّل الاستراتيجيات المفتاحية لبلوغ المستقبل المنشود.

الكلمات المفتاحية

حوكمة المقاومة، قاعدة نفي السبيل، الدراسات المستقبليّة الإسلاميّة، بناء السيناريو، الفقه الحكومي.

ISSN: ۲۷۱۷-۳۵۶۹
EISSN:۲۷۱۷-۳۵۷۷

طراحی الگوی حکمرانی مقاومت؛ رهیافتی فقهی به سناریوهای آینده نظام اسلامی*

سجاد سلطانی رضایی سیر
گروه علوم سیاسی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران. ایران.
alirzai222hhgg@gmail.com

چکیده

حکمرانی مقاومت به‌عنوان الگویی برآمده از بنیان‌های فقهی و عینی‌شده در تجربه انقلاب اسلامی، ظرفیتی نظری برای رویارویی با آینده‌های نامتعین نظام اسلامی دارد. مسئله اصلی پژوهش، تبیین مبانی فقهی حکمرانی مقاومت و کاربست آن در سناریونویسی آینده نظام اسلامی است. پرسش اساسی آن است که مبانی فقهی حکمرانی مقاومت چیست و چگونه می‌توان براساس آن، سناریوهای محتمل برای آینده نظام اسلامی را ترسیم کرد؟ هدف پژوهش، طراحی الگوی حکمرانی مقاومت مبتنی بر رهیافت فقهی و ارائه سناریوهای محتمل برای آینده نظام اسلامی با بهره‌گیری از روش سناریونویسی است. پژوهش با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از تکنیک سناریونویسی انجام شده است؛ ابتدا مبانی فقهی حکمرانی مقاومت را در چهار قاعده نفی سبیل، وجوب حفظ نظام، دفع ضرر محتمل و نفی حرج تبیین کرده، سپس با شناسایی دو پیشران کلیدی انسجام درونی و فشار خارجی، چهار سناریوی ترقی و پیشرفت، مقاومت تحت فشار، استحاله و براندازی را برای آینده نظام اسلامی طراحی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی حکمرانی مقاومت، در سناریوی ترقی و پیشرفت، ظرفیت تحقق تمدن نوین اسلامی را دارد و در سناریوی مقاومت تحت فشار، با تکیه بر انسجام درونی و اقتصاد مقاومتی، می‌تواند فشارهای خارجی را مدیریت کند. نتیجه‌گیری نهایی آن است که طراحی

* **استناد به این مقاله:** سلطانی رضایی سیر، سجاد. (۱۴۰۵). طراحی الگوی حکمرانی مقاومت؛ رهیافتی فقهی به سناریوهای آینده نظام اسلامی. فقه و سیاست، ۷(۲)، صص ۲۳۳-۲۶۷.
https://Doi.org/10.22081/ijp.2026.75954.1152

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۵/۰۷/۰۸

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

الگوی حکمرانی مقاومت مبتنی بر رهیافت فقهی، نه‌تنها امکان‌پذیر، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آینده‌پژوهی نظام‌مند حکمرانی دینی است و تقویت فقه حکومتی، مدیریت جنگ نرم، تحکیم وحدت اسلامی و توسعه اقتصاد مقاومتی می‌تواند راهبردهای کلیدی دستیابی به آینده مطلوب باشد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی مقاومت، قاعده نفی سبیل، آینده‌پژوهی اسلامی، سناریونویسی، فقه حکومتی.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، گفتمان جدیدی را در عرصه نظریه‌پردازی سیاسی و حکمرانی دینی گشود که برآمده از آموزه‌های فقه شیعی و اندیشه ولایت فقیه بود. این گفتمان، حکمرانی را نه تنها مدیریت دنیوی، بلکه تحقق اهداف متعالی شریعت و زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی تعریف می‌کند. در طول چهار دهه اخیر، نظام جمهوری اسلامی با چالش‌های متعددی مواجه بوده و در عین حال، توانسته است با اتکا به ظرفیت‌های درونی و رویکرد حکمرانی مقاومت، در برابر فشارهای خارجی و بحران‌های داخلی تاب‌آوری قابل‌توجهی نشان دهد. این تاب‌آوری، که ریشه در بنیان‌های فقهی و عینی‌شده در تجربه انقلاب اسلامی دارد، نشان‌دهنده ظرفیت نظری این الگو برای رویارویی با آینده‌های نامتعین نظام اسلامی است. با نگاهی به تاریخ معاصر ایران و منطقه غرب آسیا، بویژه تحولات ژئوپلیتیکی سال‌های اخیر، شکل‌گیری دو ساختار قدرت متضاد به‌وضوح قابل مشاهده است: جغرافیای مقاومت و جغرافیای سلطه. این تقابل، آینده سیاسی، امنیتی و تمدنی منطقه را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان محور اصلی جغرافیای مقاومت، با پرسش‌های راهبردی درباره آینده خود مواجه است. تجربه تاریخی نشان داده که نظام‌های سیاسی برآمده از انقلاب‌های مردمی، همواره در دهه‌های دوم و سوم با چالش‌های هویتی، کارآمدی و مشروعیت روبه‌رو بوده‌اند و نظام جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. با این حال، آنچه این نظام را از سایر تجارب انقلابی متمایز می‌سازد، اتکای آن بر مبانی فقهی مستحکمی است که می‌تواند چارچوبی نظری برای عبور از بحران‌ها و ترسیم آینده‌ای مطلوب فراهم آورد.

ضرورت بررسی موضوع حکمرانی مقاومت از آن‌روست که اگرچه این مفهوم در عرصه سیاست خارجی و گفتمان انقلابی مطرح بوده، اما به‌عنوان الگویی نظام‌مند و مبتنی بر مبانی فقهی، کمتر مورد تدوین و بسط نظری قرار گرفته است. بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، یا به توصیف تجربه عینی مقاومت در انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و یا به تحلیل کارکردی این مفهوم در عرصه سیاست خارجی اکتفا

کرده‌اند، اما کمتر تلاشی برای استخراج نظام‌مند مبانی فقهی این الگو و کاربست آن در آینده‌پژوهی انجام گرفته است. از سوی دیگر، تحولات سریع منطقه‌ای و بین‌المللی، پیچیدگی‌های جنگ نرم و ترکیبی، و فشارهای فزاینده بر نظام اسلامی، این ضرورت را دوچندان می‌سازد که الگویی نظری مبتنی بر فقه حکومتی طراحی شود تا بتواند پاسخ‌گوی عدم‌قطعیت‌های آینده باشد. نقدی که بر رویکردهای صرفاً توصیفی یا تحلیلیِ گذشته وارد است، غفلت از ظرفیت‌های فقه پویای شیعه در ارائه راهکارهای حکمرانیِ آینده‌نگر است، در حالی که فقه حکومتی با ماهیت اجتهادی و بازاندیشانه خود، ظرفیت قابل‌توجهی برای پاسخ‌گویی به مسائل نوپدید و پیچیده حکمرانی دارد.

اهمیت این پژوهش در آن است که از یک سو، با تدوین نظام‌مند مبانی فقهی حکمرانی مقاومت، گامی در جهت نظریه‌پردازی اسلامی در عرصه حکمرانی برمی‌دارد و فقه حکومتی را از انزوای فردی و مکلف‌محور به عرصه کلان سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی می‌کشاند. از سوی دیگر، کاربست ابزارهای آینده‌پژوهی مانند سناریونویسی در این حوزه، می‌تواند زمینه‌ساز گشایش‌های نظری جدید و ارائه راهبردهای عملیاتی برای رویارویی هوشمندانه با آینده‌های نامتعین شود. کارکرد نظری این پژوهش، تبیین نسبت فقه و آینده‌پژوهی و نشان دادن ظرفیت فقه شیعه برای پاسخ‌گویی به مسائل حکمرانی در عصر غیبت است و کارکرد عملی آن، ارائه چارچوبی برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاریِ مبتنی بر مبانی شرعی در رویارویی با سناریوهای مختلف آینده نظام اسلامی است. چنین رویکردی، افزون بر غنای ادبیات نظری حکمرانی دینی، می‌تواند به افزایش تاب‌آوری نظام در برابر تهدیدات و تحقق تمدن نوین اسلامی یاری رساند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین مبانی فقهی حکمرانی مقاومت و کاربست آن در سناریونویسی آینده نظام اسلامی است. در این راستا، پرسش‌های اساسی که مقاله در پی پاسخ‌گویی به آنهاست، عبارت‌اند از: مبانی فقهی حکمرانی مقاومت کدام‌اند و این مبانی چگونه می‌توانند چارچوب نظری الگوی حکمرانی مقاومت را شکل دهند؟ و نیز، براساس این الگوی فقهی، سناریوهای محتمل برای آینده نظام اسلامی کدام‌اند و چه راهبردهایی برای دستیابی به آینده مطلوب و مدیریت آینده‌های نامطلوب می‌توان تدوین کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است که از یک سو به مبانی فقهی توجه

داشته باشد و از سوی دیگر، از ابزارهای آینده‌پژوهی برای طراحی سناریوهای محتمل بهره گیرد. آینده‌پژوهی با تأکید بر عدم‌قطعیت به‌عنوان اصل حاکم، در پی درنظرگرفتن آینده‌های ممکن و محتمل است، نه تنها پیش‌بینی آینده‌ای واحد، و این رویکرد با ماهیت اجتهادی و بازاندیشانه فقه شیعه که همواره در پی استنباط حکم متناسب با شرایط متغیر است، همخوانی قابل‌توجهی دارد.

۲. مبانی نظری و مفاهیم

۲ـ۱. مفهوم‌شناسی حکمرانی مقاومت

حکمرانی در ادبیات علوم سیاسی، مفهومی فراتر از دولت و حکومت است که بر فرایند تعامل سازنده میان دولت و سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های قدرت تأکید دارد (آقابخشی، ۱۴۰۳، ص ۷۲). در این نگاه، حکمرانی به معنای فرایند تصمیم‌گیری و اجرا در یک نظام سیاسی است که در آن، نهادهای دولتی و غیردولتی در تعامل با یکدیگر، جهت‌دهی به جامعه را عهده‌دارند. حکمرانی مقاومت گونه‌ای خاص از حکمرانی دینی است که با الهام از آموزه‌های اسلامی و تجربه عینی انقلاب اسلامی شکل گرفته است (حکیمی، ۱۴۰۱، ص ۳۲). این الگو، حکمرانی را در معنای فرامادی و متعالی ترسیم می‌کند و آن را راهبری فقیهانه و مؤمنانه قدرت به همراه استقامت، از مبدأ تا مقصد، جهت تحقق و نیل به اهدافی مشخص در هر مکان و زمانی تعریف می‌نماید. بر این اساس، حکمرانی مقاومت، حرکتی است همراه با استقامت که از آغاز خلقت تا حاکمیت موعود الهی ادامه دارد و انبیای الهی، ائمه معصومین و فقیهان امامیه به‌عنوان متحرکان این حرکت، براساس توحید آن را به پیش می‌برند (خمینی، ۱۳۶۷، ص ۶۵). امروزه، حکمرانی مقاومت نه تنها در ایران، بلکه در گفتمان جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا به‌عنوان یک الگوی راهبردی برای مقابله با نظام سلطه و تحقق استقلال و عزت امت اسلامی مطرح است (خامنه‌ای شهید، ۱۴۰۳، ص ۳). عوامل متعددی در شکل‌گیری، تداوم و کارآمدی حکمرانی مقاومت نقش دارند که در دو دسته درونی و بیرونی قابل طبقه‌بندی هستند. عوامل درونی عبارتند از: مبانی فقهی و اعتقادی، انسجام درونی نظام، کارآمدی اقتصادی و عدالت اجتماعی، قدرت دفاعی و امنیتی، نهادسازی و آینده‌پژوهی. و عوامل بیرونی عبارتند از: سطح و نوع فشارهای خارجی، وضعیت منطقه‌ای

و بین‌المللی، جنگ نرم و تغییرات هویتی (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ص ۷۹).

قاعده نفی سبیل، از قواعد معروف و مسلّم فقه اسلامی است. این قاعده در عرصه حکمرانی بعد سیاسی، بعد اقتصادی، بعد فرهنگی، بعد امنیتی را شامل می‌شود (ایزدهی، ۱۴۰۳، ص ۴۶). از منظر حکمرانی مقاومت، قاعده نفی سبیل به دلیل تأمین استقلال و عزت، ایجاد اتحاد و همبستگی اسلامی، مبنایی برای اقتصاد مقاومتی، پیشران تمدن‌سازی، بنیان فقهی اساسی این الگو محسوب می‌شود (معصومی، ۱۴۰۴). در کنار قاعده نفی سبیل، قاعده وجوب حفظ نظام اسلامی به‌عنوان بنیان دیگر حکمرانی مقاومت، نقش اساسی دارد که اختلاف و نزاع را موجب سستی و از بین رفتن عزت و شوکت جامعه اسلامی معرفی می‌کند (خامنه‌ای شهید، ۱۴۰۴، ص ۲۶). براساس این قاعده، هرگونه اقدام، تصمیم یا سیاستی که بقا و استمرار نظام اسلامی را به خطر اندازد، از نظر شرعی ممنوع است و در مقابل، هر اقدامی که به حفظ و تقویت نظام اسلامی کمک کند، از وظایف شرعی حکومت و شهروندان محسوب می‌شود. (لک‌زایی، ۱۴۰۳).

قاعده وجوب حفظ نظام، مکمل قاعده نفی سبیل در الگوی حکمرانی مقاومت است به‌گونه‌ای که در شرایط تزاحم میان این دو قاعده، قاعده وجوب حفظ نظام مقدم می‌شود (درگاهی، ۱۴۰۲). این قاعده، همچنین به حکمرانی مقاومت، نگاه راهبردی و کلان‌نگر می‌دهد که فراتر از مصالح و منافع کوتاه‌مدت، به بقا و استمرار نظام اسلامی به‌عنوان یک اصل اساسی و حیاتی می‌نگرد (ابراهیمی سرو علیا، ۱۴۰۱). در این نگاه، هرگونه تصمیم، سیاست یا اقدامی، باید در بوته سنجش تأثیر آن بر بقا و تعالی نظام اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل براساس قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یا قاعده لاضرر، هرگاه احتمال عقلایی برای ورود ضرر قابل‌توجه وجود داشته باشد، دفع آن ضرر واجب است و در قاعده نفی حرج در شریعت اسلام، هیچ حکم تکلیفی حرج‌آوری وجود ندارد. حرج به معنای تنگی، مشقت غیرقابل‌تحمل و سختی خارج از حد متعارف است که عرفاً قابل تحمل نباشد (خسروی، ۱۴۰۱).

این چهار قاعده فقهی در یک نظام هماهنگ و منسجم، چارچوب نظری حکمرانی مقاومت را شکل می‌دهند. قاعده نفی سبیل، جهت‌گیری اصلی و اهداف راهبردی را تعیین

می‌کند. قاعده وجوب حفظ نظام، اولویت‌های حکمرانی را در شرایط تزاحم مشخص می‌سازد و بقا و استمرار نظام را به‌عنوان یک اصل حیاتی تثبیت می‌نماید. قاعده دفع ضرر محتمل، رویکرد پیشگیرانه و آینده‌نگر را به حکمرانی می‌دهد و آن را از انفعال و واکنش‌محوری خارج می‌سازد (مومنی، ۱۴۰۲، ص ۳۲۸). و قاعده نفی حرج، انعطاف‌پذیریِ عملیاتی و قابلیت تطبیق با شرایط متغیر را فراهم می‌آورد و حکمرانی را از خشکی و جمود مصون می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۸۳).

۲.۲. سناریونویسی و آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهی، رشته‌ای میان‌رشته‌ای است که به مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب می‌پردازد. این رشته با تأکید بر عدم‌قطعیت به‌عنوان اصل حاکم، به دنبال درنظرگرفتن آینده‌های ممکن و محتمل است (فضلی روزبهانی، ۱۴۰۲). آینده‌پژوهی در رویکرد اسلامی، با آینده‌پژوهی متداول در غرب تفاوت‌های ماهوی دارد. در حالی که آینده‌پژوهی متعارف، با تأکید بر پسامدرنیسم هستی‌شناختی، بر عدم‌قطعیت و تکثر آینده‌ها تأکید دارد، آینده‌پژوهی اسلامی، ضمن پذیرش امکان‌های متعدد برای آینده، آینده مطلوب و مرجح را براساس مبانی ارزشی و هنجاری اسلام تعریف می‌کند (عیوضی، ۱۳۹۱). ویژگی‌های اصلی آینده‌پژوهی اسلامی عبارت‌اند از: هدف‌محوری و غایت‌گرایی، ارزش‌محوری، تکلیف‌محوری، توحیدمحوری، سناریونویسی به‌عنوان ابزار آینده‌پژوهی. سناریونویسی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی آینده‌پژوهی، روشی برای شناسایی و طراحی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است (موسوی‌زاده، ۱۴۰۴). در سناریونویسی، براساس شناسایی پیشران‌ها و عدم‌قطعیت‌های کلیدی، چند روایت متفاوت از آینده ترسیم می‌شود که هر یک، حاوی داستانی منسجم، قابل‌قبول و مبتنی بر منطق علّی است. سناریوها به تصمیم‌سازان کمک می‌کنند تا عدم‌قطعیت‌های محیطی را بهتر درک کنند، نقاط آسیب‌پذیر و فرصت‌های راهبردی را شناسایی نمایند، و برای رویارویی با شرایط مختلف، راهبردهای منعطف و مقاوم تدوین کنند (پارسامهر، ۱۳۹۸). مراحل اصلی سناریونویسی عبارت‌اند از: ۱- شناسایی موضوع و افق زمانی؛ ۲- تحلیل محیطی و شناسایی پیشران‌های کلیدی؛ ۳- شناسایی عدم‌قطعیت‌های بحرانی؛

۴- طراحی ماتریس سناریو براساس دو عدم‌قطعیت کلیدی؛ ۵- نگارش روایت‌های سناریو؛ ۶- تحلیل پیامدها و تدوین راهبردهای متناسب با هر سناریو (بهروزی لک و همکاران، ۱۳۹۸).

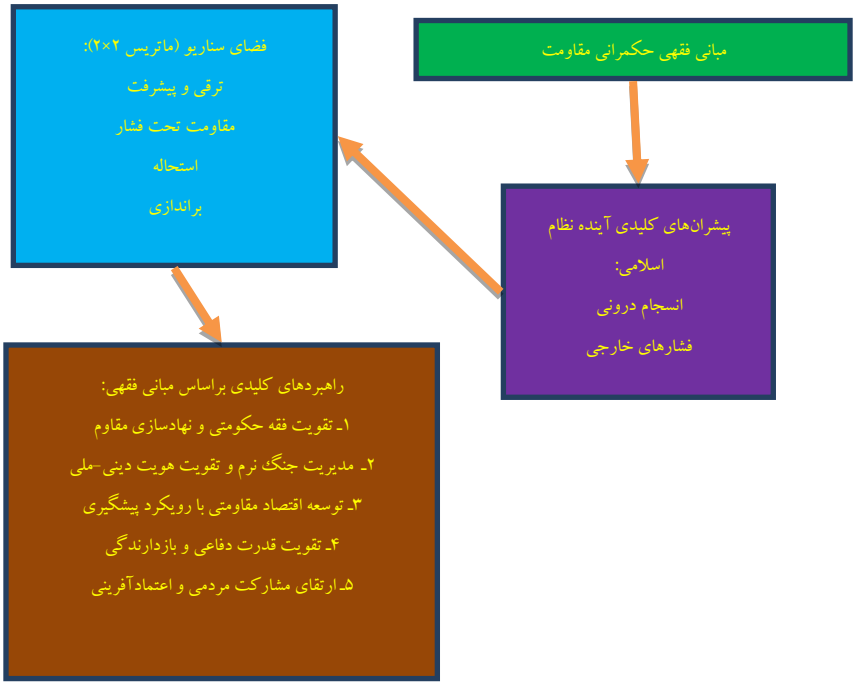
۳.۲. نسبت سناریونویسی با فقه حکومتی

نسبت سناریونویسی با فقه حکومتی از چند جهت قابل تأمل است: نخست اینکه، فقه حکومتی با ماهیت اجتهادی و پویای خود، همواره در پی استنباط حکم متناسب با شرایط متغیر و مقتضیات زمان و مکان است. سناریونویسی، با ترسیم آینده‌های محتمل و نامطلوب، به فقیه و مجتهد حکومتی کمک می‌کند تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از شرایط آینده داشته باشد و احکام و سیاست‌های متناسب با هر شرایط را استنباط نماید (نادری بنی، ۱۴۰۱). به عبارت دیگر، سناریونویسی، زمینه‌ساز فقه آینده‌نگر می‌شود که می‌تواند پیش‌ازرویارویی با بحران‌ها، چارچوب شرعی لازم را تدوین کند. دوم اینکه، فقه حکومتی بر اصول و قواعد ثابتی مانند نفی سبیل و وجوب حفظ نظام استوار است که در تمامی سناریوها، به‌عنوان اصول هادی و چارچوب‌های محدودکننده عمل می‌کنند. سناریونویسی در چارچوب فقه حکومتی، در پی یافتن راهکارهای شرعی و عملیاتی برای تحقق این اصول در شرایط مختلف است و راهبردهای متناسب با هر سناریو را با در نظر گرفتن این اصول طراحی می‌کند. سوم اینکه، رویکرد آینده‌پژوهیِ مبتنی بر سناریو، به فقه حکومتی کمک می‌کند تا از رویکردِ صرفاً واکنشی و انفعالی خارج شده و به رویکردی پیش‌فعالانه و آینده‌ساز تبدیل شود. فقهی که سناریوهای مختلف را پیش‌بینی و برای هر یک، احکام و راهبردهای متناسب تدوین می‌کند، می‌تواند در رویارویی با آینده‌های نامتعین، کارآمدتر و تاب‌آورتر باشد و از بروز بحران‌ها و فتنه‌ها پیشگیری نماید. به همین دلیل، کاربست سناریونویسی در فقه حکومتی، نه تنها ممکن، بلکه ضرورتی برای پویایی و کارآمدی فقه در عصر کنونی محسوب می‌شود (رادمهر، ۱۴۰۴).

۴.۲. مدل مفهومی پژوهش

براساس شکاف‌های شناسایی‌شده در پیشینه پژوهش و با هدف تلفیق نظام‌مند مبانی

فقهی حکمرانی مقاومت با سناریونویسی آینده نظام اسلامی، مدل مفهومی پژوهش حاضر به‌صورت زیر طراحی شده است:



نمودار۱. مدل مفهومی پژوهش

مدل فوق نشان می‌دهد که مبانی چهارگانه فقهی به‌عنوان مبانی بنیادین، چارچوب نظری حکمرانی مقاومت را شکل می‌دهند. این مبانی، بر شناسایی دو پیشران کلیدی انسجام درونی و فشار خارجی تأثیر می‌گذارند. ترکیب این دو پیشران، فضای سناریو (ماتریس ۲×۲) را شکل می‌دهد که خروجی آن، چهار سناریوی محتمل برای آینده نظام اسلامی است. در نهایت، براساس سناریوی مطلوب و با در نظر گرفتن سناریوهای محتمل و نامطلوب، راهبردهای کلیدی تدوین شده‌اند. این مدل، برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا فقط به تبیین مبانی فقهی پرداخته‌اند و یا تنها به سناریونویسی، رویکردی تلفیقی و نظام‌مند ارائه می‌دهد که فقه حکومتی و آینده‌پژوهی سناریو-محور را در هم‌آمیخته و به‌عنوان نوآوری پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

۳. پیشینه پژوهش

بررسی نظام‌مند پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات مرتبط با موضوع حکمرانی مقاومت؛ رهیافتی فقهی به سناریوهای آینده نظام اسلامی در چهار حوزه اصلی قابل دسته‌بندی است که در جدول زیر به تفکیک ارائه شده است:

جدول۱. پیشینه پژوهش

حوزه مطالعاتی	رویکرد غالب	نمونه پژوهش‌ها	نقاط قوت	شکاف‌ها و خلأها
مبانی فقهی حکمرانی مقاومت	توصیفی-تحلیلی با تکیه بر قاعده نفی سبیل و وجوب حفظ نظام	حدادی، لکزایی و قره‌داغی (۱۴۰۳)؛ طباطبایی و کعب‌نسب (۱۳۹۷)	تبیین مستندات قرآنی و روایی قواعد فقهی؛ بسط قاعده نفی سبیل به عرصه‌های نوین	غلبه رویکرد توصیفی بر آینده‌نگر؛ عدم ارائه الگوی نظام‌مند برای کاربست قواعد در سناریوهای مختلف
آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی	سناریونویسی و تحلیل روند با رویکرد تمدنی	مطهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)	شناسایی سناریوهای سه‌گانه (ترقی، استحاله، براندازی)؛ توجه به بیانیه گام دوم انقلاب	عدم تلفیق نظام‌مند مبانی فقهی با سناریونویسی؛ غالباً به پیش‌بینی بسنده شده و راهبردهای عملیاتی مبتنی بر فقه ارائه نشده است
نسبت‌سنجی مفهومی حکمرانی مقاومت	مفهوم‌پژوهی و تحلیل گفتمان	مظاهری، علیرضا (۱۴۰۳)	تبیین سه رویکرد «حکمرانی دفاعی»، «حکمرانی مقاومت» و «حکمرانی جهاد ابتدایی» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	فاقد کاربست عملیاتی در سناریونویسی؛ به ابعاد فقهی ـ حکمرانی آینده‌محور نپرداخته است

حوزه مطالعاتی	رویکرد غالب	نمونه پژوهش‌ها	نقاط قوت	شکاف‌ها و خلأها
روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	فراترکیب و روش‌های ترکیبی آینده‌پژوهی	منطقی، محسن (۱۳۹۳) رحمانی، جعفر (۱۴۰۴)	تأکید بر رویکرد عدم‌قطعیت بحرانی و لایه‌های تمدنی	مطالعات تطبیقی اندک میان مبانی فقهی و روش‌های آینده‌پژوهی؛ عدم ارائه مدل مفهومی یکپارچه

بررسی نظام‌مند پیشینه پژوهش، نشان‌دهنده وجود چند خلأ علمی اساسی است که پژوهش حاضر در صدد پر کردن آنها برآمده است:

نخست: فقدان مدل مفهومی یکپارچه فقه‌محور در آینده‌پژوهی. پژوهش‌های پیشین یا به تبیین مبانی فقهی حکمرانی مقاومت پرداخته‌اند و یا به سناریونویسی آینده نظام اسلامی، اما کمتر پژوهشی توانسته است این دو حوزه را در یک مدل مفهومی منسجم، تلفیق کند. به بیان دقیق‌تر، آنچه در ادبیات موجود غایب است، چارچوبی نظریه‌کاربردی است که ضمن استخراج نظام‌مند مبانی فقهی حکمرانی مقاومت، این مبانی را به‌عنوان متغیرهای مستقل سناریونویسی در نظر بگیرد و راهبردهای متناسب با هر سناریو را براساس همین مبانی تدوین نماید.

دوم: نبود مدل مفهومی کمّی و شاخص‌سازی عملیاتی. اکثر پژوهش‌های پیشین، رویکردی کیفی و توصیفی داشته‌اند و از ارائه مدل‌های مفهومی قابل‌سنجش و شاخص‌سازی عملیاتی برای متغیرهای کلیدی غفلت کرده‌اند. در حالی که پژوهش حاضر با ارائه جدول سناریوها براساس ترکیب دو متغیر کلیدی و تعیین پیامدهای هر سناریو، گامی به‌سوی مدل‌سازی مفهومی قابل‌ارزیابی برداشته است. سوم: عدم کاربست رویکردهای ترکیبی و عدم‌قطعیت‌محور در فقه حکومتی. پژوهش‌های آینده‌پژوهی اسلامی موجود، غالباً یا به صرف پیش‌بینی آینده‌های محتمل پرداخته‌اند و یا از روش‌های غربی آینده‌پژوهی بدون بومی‌سازی فقهی استفاده کرده‌اند. آنچه در این میان مغفول مانده، بهره‌گیری از رویکرد عدم‌قطعیت بحرانی در چارچوب فقه حکومتی است.

۴. روش‌شناسی

۴-۱. فلسفه و رویکرد پژوهش

پژوهش حاضر براساس الگوی «پیاز پژوهش» ساندرز در شش لایه طراحی و اجرا شده است. این الگو با رویکردی نظام‌مند، مراحل متوالی تصمیم‌گیری در طراحی پژوهش را به‌صورت لایه‌های هم‌مرکز ترسیم می‌کند:

لایه اول: فلسفه پژوهش؛ فلسفه حاکم بر این پژوهش، تفسیرگرایی است زیرا ماهیت موضوع مستلزم درک عمیق معانی، تفاسیر و برداشت‌های ذهنی صاحبنظران از متون فقهی، بیانات رهبر شهید﵀ و روندهای اجتماعی - سیاسی است. همچنین، رویکرد آینده‌پژوهی که با عدم‌قطعیت و تکثر آینده‌ها سر و کار دارد، با فلسفه تفسیرگرایی که بر ساخت‌شدگی اجتماعی واقعیت‌ها و تکثر معانی تأکید دارد، هماهنگی کامل دارد.

لایه دوم: رویکرد پژوهش؛ این پژوهش با رویکرد استقرایی انجام شده است بدین معنا که از بررسی نظام‌مند متون فقهی، بیانات رهبر شهید و تحلیل‌های صاحبنظران، به تدوین الگوی حکمرانی مقاومت و طراحی سناریوهای آینده دست یافته است. پژوهش با مشاهده روندهای موجود و مطالعه منابع دست اول، به استنتاج نظریه‌ای و سناریوهای محتمل پرداخته است. با این حال، در بخش تدوین سناریوها، از یک چارچوب مفهومی از پیش‌تعیین‌شده استفاده شده که نشان‌دهنده عناصر قیاسی در پژوهش است؛ بنابراین، رویکرد پژوهش را می‌توان استقرایی با عناصر قیاسی توصیف کرد که با ماهیت میان‌رشته‌ای موضوع همخوانی دارد.

لایه سوم: راهبرد پژوهش؛ راهبرد اصلی این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است که برای استخراج نظام‌مند مبانی فقهی از متون و بیانات به‌کار رفته است. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی، امکان کشف مضامین و الگوهای پنهان در متون فقهی را فراهم می‌آورد. در گام بعدی، راهبرد سناریونویسی به‌عنوان یک روش آینده‌پژوهی، برای طراحی سناریوهای محتمل آینده نظام اسلامی براساس یافته‌های مرحله اول، به‌کار گرفته شده است. این ترکیب از راهبردهای کیفی، امکان مبتنی‌سازی فقهی سناریوها را فراهم می‌آورد.

لایه چهارم: بازه زمانی پژوهش؛ داده‌های پژوهش در یک بازه زمانی مشخص گردآوری شده‌اند که نشان‌دهنده ماهیت مقطعی پژوهش است. با این حال، ماهیت سناریونویسی، رویکردی آینده‌نگر به پژوهش می‌دهد. بدین معنا که داده‌های مقطعی گردآوری‌شده، به‌عنوان مبنایی برای ترسیم آینده‌های محتمل استفاده شده‌اند. به‌عبارت دیگر، پژوهش از روش مقطعی آینده‌نگر بهره گرفته است.

لایه پنجم: روش‌های گردآوری داده‌ها؛ روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و مبتنی بر مطالعه منابع مکتوب و گزارش‌های تحلیلی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی است. تمامی داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند اسناد و مدارک موجود گردآوری شده‌اند.

لایه ششم: تکنیک‌های تحلیل داده‌ها؛ برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از دو تکنیک مکمل استفاده شده است: ۱- تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی برای استخراج مبانی فقهی حکمرانی مقاومت از متون و بیانات. در این مرحله، متون مرتبط مطالعه، کدگذاری و مضامین اصلی شناسایی شده‌اند. ۲- تکنیک ماتریس سناریو مبتنی بر دو عدم‌قطعیت کلیدی که براساس یافته‌های تحلیل محتوا و شناسایی پیشران‌ها، سناریوهای چهارگانه طراحی شده‌اند.

۲.۴. مفاهیم و متغیرهای پژوهش

پژوهش حاضر دارای دو دسته مفاهیم اصلی و متغیرهای کلیدی است که در جدول زیر تعریف شده‌اند:

جدول۲. متغیرهای پژوهش

متغیر	نوع متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی
مبانی فقهی حکمرانی مقاومت	متغیر مستقل	قواعد و اصول فقهی که چارچوب نظری الگوی حکمرانی مقاومت را شکل می‌دهند	استخراج و تدوین نظام‌مند چهار قاعده از منابع فقهی و بیانات رهبر شهید﵀ با روش تحلیل محتوای کیفی

متغیر	نوع متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی
حکمرانی مقاومت	متغیر وابسته	راهبری فقیهانه و مؤمنانه قدرت به همراه استقامت برای تحقق اهداف شریعت و تمدن نوین اسلامی	طراحی الگویی مشتمل بر مبانی، ابعاد و مؤلفه‌های عملیاتی
انسجام درونی	پیشران	سطح همبستگی میان قوا، اجماع نخبگان سیاسی، مشارکت مردمی و اعتماد اجتماعی به کارگزاران نظام	ارزیابی کیفی از روندهای موجود براساس تحلیل بیانات رهبری و نظرات صاحبنظران، تعیین درجه انسجام در سه سطح: بالا، نسبتاً بالا، تضعیف‌شده و فروپاشی‌یافته
فشار خارجی	پیشران	شدت و گستره تحریم‌های اقتصادی، تهدیدات نظامی، جنگ نرم و عملیات روانی قدرت‌های سلطه‌گر علیه نظام اسلامی	ارزیابی کیفی از وضعیت کنونی و روندهای پیش‌رو براساس تحلیل بیانات رهبری و شواهد موجود؛ تعیین درجه فشار در سه سطح: متوسط/کنترل‌شده، شدید، نسبتاً شدید و حداکثری.
سناریوهای آینده نظام اسلامی	متغیر وابسته	روایت‌های محتمل از آینده نظام اسلامی که براساس ترکیب دو عدم‌قطعیت کلیدی ترسیم می‌شوند	طراحی چهار سناریوی ترقی و پیشرفت، مقاومت تحت فشار، استحاله و براندازی در قالب ماتریس ۲×۲
راهبردهای دستیابی به آینده مطلوب	متغیر وابسته (خروجی)	مجموعه اقدامات و سیاست‌های عملیاتی برای تحقق سناریوی مطلوب و مدیریت سناریوهای نامطلوب	تدوین ۵ راهبرد کلیدی مبتنی بر مبانی فقهی و متناسب با هر سناریو

۳-۴. روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است. منابع مورد مطالعه شامل دسته‌های زیر بوده‌اند:

دسته اول: منابع فقهی و قرآنی. شامل قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی استنباط قواعد فقهی، تفاسیر معتبر، کتاب‌هایفقهی شیعه، مقالات علمی منتشرشده در فصلنامه‌های تخصصی فقه و اصول. این منابع برای استخراج مبانی فقهی حکمرانی مقاومت مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

دسته دوم: بیانات و رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی. شامل مجموعه بیانات و رهنمودهای امام خمینی‌ﷺ در صحیفه نور و بیانات رهبر شهیدﷺ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۴، با تأکید بر بیانات مرتبط با حکمرانی، مقاومت، اقتصاد مقاومتی، تمدن‌سازی و آینده نظام اسلامی. بیانات رهبر شهید، به‌عنوان گفتمان رسمی نظام و چارچوب نظری عملی در تدوین مبانی حکمرانی مقاومت و شناسایی پیشران‌های کلیدی، از اهمیت محوری برخوردار بوده‌اند.

دسته سوم: مقالات علمی و گزارش‌های پژوهشی. شامل مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در مجلات معتبر داخلی. این منابع برای شناسایی پیشران‌های کلیدی و بررسی روندهای موجود مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

دسته چهارم: اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی. شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام، بیانیه گام دوم انقلاب، و اسناد راهبردی مرتبط با اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های توسعه.

۴. روش تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر از دو روش تحلیل داده به‌صورت تلفیقی استفاده کرده است:

۴-۱. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی

در مرحله اول، برای استخراج مبانی فقهی حکمرانی مقاومت از روش «تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی» استفاده شده است. این روش شامل مراحل زیر بوده است.

جدول۳. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی

مراحل	توضیح
مرحله اول: تعیین واحد تحلیل	واحد تحلیل در این مرحله، جمله و پاراگراف از متون فقهی، بیانات رهبر شهید و مقالات علمی بوده است که به‌صورت معنادار به موضوع حکمرانی، مقاومت، استقلال، عزت، نفی سلطه، حفظ نظام و آینده‌پژوهی اشاره داشته‌اند.
مرحله دوم: کدگذاری باز.	متون و بیانات، مطالعه و مفاهیم کلیدی مرتبط با مبانی فقهی استخراج شده‌اند. برای مثال، از بیانات رهبری که بر نفی سلطه بیگانگان، خودکفایی اقتصادی، استقلال سیاسی، مقابله با تهاجم فرهنگی و حفظ کیان نظام تأکید شده، کدهای اولیه استخراج شده‌اند.
مرحله سوم: کدگذاری محوری	کدهای اولیه براساس شباهت‌های مفهومی، در دسته‌ها و مقوله‌های اصلی سازماندهی شده‌اند. برای مثال، تمامی کدهای مرتبط با استقلال و عزت در مقوله قاعده نفی سبیل، کدهای مرتبط با بقا و استمرار نظام در مقوله قاعده وجوب حفظ نظام و به‌همین ترتیب، کدها در چهار مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند.
مرحله چهارم: کدگذاری انتخابی	در این مرحله، کدهای محوری به‌عنوان مبانی فقهی حکمرانی مقاومت شناسایی و نهایی‌سازی شده‌اند و ارتباط بین‌آنها در قالب مدل مفهومی پژوهش ارائه گردیده است.

۴-۴. تکنیک ماتریس سناریو

در مرحله دوم، برای طراحی سناریوهای آینده نظام اسلامی، از تکنیک ماتریس سناریو استفاده شده است. این روش، مبتنی بر شناسایی دو عدم‌قطعیت کلیدی و ساخت ماتریس ۲×۲ است:

جدول۴. تکنیک ماتریس سناریو

مراحل	توضیح
مرحله اول: شناسایی پیشران‌های کلیدی	پیشران‌های کلیدی مؤثر بر آینده نظام اسلامی براساس تحلیل بیانات رهبری، مقالات علمی و شواهد عینی، شناسایی شده‌اند. این پیشران‌ها شامل: انسجام درونی، کارآمدی اقتصادی، قدرت دفاعی و امنیتی، فشار خارجی و وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی است.
مرحله دوم: تعیین دو عدم‌قطعیت بحرانی	از میان پیشران‌های شناسایی‌شده، دو پیشران با بیشترین اهمیت و عدم‌قطعیت به‌عنوان محورهای ماتریس سناریو انتخاب شده‌اند: ۱- وضعیت انسجام درونی و ۲- وضعیت فشار خارجی. انتخاب این دو پیشران، براساس تحلیل بیانات رهبری و نیز مرور پژوهش‌های پیشین انجام گرفته است.
مرحله سوم: ساخت ماتریس ۲×۲ و ترسیم سناریوها	با ترکیب هر یک از دو سطح ممکن برای هر عدم‌قطعیت، چهار سناریوی اصلی شکل داده شده است. برای هر سناریو، روایتی منسجم، قابل‌قبول و مبتنی بر منطق علّی از آینده نظام اسلامی نوشته شده است.

۴ـ۵. جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه متون، اسناد و منابع مکتوبی است که به‌نحوی با مبانی فقهی حکمرانی مقاومت، آینده‌پژوهی نظام اسلامی و سناریونویسی مرتبط هستند. این جامعه شامل قرآن کریم، تفاسیر، کتاب‌هایفقهی، بیانات رهبران انقلاب، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های راهبردی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی است. نمونه پژوهش به‌صورت هدفمند انتخاب شده است و شامل منابع کلیدی‌ای است که در چهار دسته زیر قابل طبقه‌بندی هستند: ۱- منابع فقهی برجسته که در آنها به قواعد نفی سبیل، وجوب حفظ نظام، دفع ضرر محتمل و نفی حرج پرداخته شده است؛ ۲- بیانات رهبر شهید‌ﷺ از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ که مستقیماً به مباحث حکمرانی، مقاومت و آینده نظام اشاره دارند؛ ۳- مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در مجلات معتبر داخلی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۴۰۵ که به‌نحوی با موضوع پژوهش مرتبط بوده‌اند؛ ۴- اسناد بالادستی راهبردی.

۶. روایی و پایایی ابزار گردآوری اطلاعات

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و کتابخانه‌ای است، برای تأمین روایی و پایایی از راهبردهای زیر استفاده شده است:

جدول۵. روایی پژوهش

روایی	توضیح
روایی محتوایی	برای تأمین روایی محتوایی، منابع انتخاب‌شده از میان معتبرترین و معروف‌ترین کتاب‌های فقهی، تفاسیر و بیانات رهبران انقلاب انتخاب شده‌اند.
روایی سازه	برای تأمین روایی سازه، مبانی فقهی استخراج‌شده با آرای فقهای برجسته مقایسه و مطابقت داده شده است.
روایی صوری و اعتبارسنجی به‌روش ارجاع به صاحبنظران	برای تأمین روایی صوری و اعتبار یافته‌ها، از روش ارجاع به صاحبنظران استفاده شده است. بدین منظور، خلاصه‌ای از یافته‌ها در اختیار ۳ نفر از صاحبنظران حوزه فقه حکومتی و آینده‌پژوهی قرار داده شده و نظرات اصلاحی آنها در مورد دقت استنباط‌ها، جامعیت مبانی و منطق سناریوها اخذ شده است. نظرات دریافتی، در نهایی‌سازی یافته‌ها اعمال شده است.

جدول۶. پایایی پژوهش

پایایی	توضیح
پایایی بازآزمون	برای تأمین پایایی در استخراج مبانی فقهی، فرایند کدگذاری و تحلیل محتوا، در دو نوبت با فاصله زمانی ۲ هفته توسط پژوهشگر تکرار شده است. اشتراک بیش از ۹۰ درصدی کدهای استخراج‌شده در دو مرحله، نشان‌دهنده پایایی بالای فرایند تحلیل بوده است.
پایایی ارزیابان	برای تأمین پایاییِ ارزیابان، ۲۰٪ از متون به‌طور مستقل توسط یک پژوهشگر دیگر کدگذاری شده است. میزان توافق بین دو کدگذار بیش از ۸۵٪ بوده است که نشان‌دهنده پایایی قابل‌قبول فرایند تحلیل است.

پایایی	توضیح
مستندسازی کامل فرایند پژوهش	تمامی مراحل پژوهش به‌صورت دقیق و شفاف ثبت و مستند شده‌اند تا امکان بازبینی و تکرار پژوهش توسط سایر محققان فراهم باشد. فایل‌های کدگذاری، جداول استخراج کدها و مستندات مربوط به سناریوها، در پرونده پژوهش ثبت شده است.

۴-۶. مراحل انجام و اجرای پژوهش

پژوهش حاضر در چهار مرحله اصلی، مطابق با جدول زیر، اجرا شده است:

جدول۷. مراحل انجام و اجرای پژوهش

مرحله	عنوان	مرحله گام‌های اجرایی	خروجی مرحله
مرحله اول	استخراج مبانی فقهی حکمرانی مقاومت	۱. مطالعه نظام‌مند قرآن، تفاسیر، کتاب‌های فقهی و بیانات رهبری ۲. شناسایی قواعد فقهی مرتبط با حکمرانی و مقاومت ۳. کدگذاری باز، محوری و انتخابی متون ۴. تدوین نهایی چهار قاعده فقهی اساسی	چهار قاعده فقهی مستند به منابع معتبر؛ مدل مفهومی پایه از مبانی حکمرانی مقاومت
مرحله دوم	شناسایی پیشران‌های کلیدی مؤثر بر آینده نظام اسلامی	۱. بررسی روندهای جاری براساس تحلیل بیانات رهبری و مقالات علمی ۲. مرور نظام‌مند پژوهش‌های پیشین در حوزه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ۳. شناسایی مهمترین پیشران‌های تأثیرگذار ۴. تعیین دو عدم‌قطعیت کلیدی از میان پیشران‌ها	فهرست ۵ پیشران کلیدی با اولویت‌بندی دو عدم‌قطعیت بحرانی
مرحله سوم	طراحی سناریوهای آینده نظام اسلامی	۱. ساخت ماتریس ۲×۲ براساس دو عدم‌قطعیت کلیدی ۲. تعیین سطوح ممکن برای هر عدم‌قطعیت ۳. نگارش روایت‌های چهار سناریوی اصلی ۴. تحلیل پیامدهای هر سناریو برای نظام اسلامی و منطقه	چهار سناریوی ترقی و پیشرفت، مقاومت تحت فشار، استحاله و براندازی با پیامدهای هر یک

مرحله	عنوان	مرحله گام‌های اجرایی	خروجی مرحله
مرحله چهارم	تدوین راهبردهای کلیدی	۱. تحلیل سناریوی مطلوب و شناسایی الزامات تحقق آن ۲. تحلیل سناریوهای محتمل و نامطلوب و شناسایی راهکارهای مدیریت آنها ۳. تدوین راهبردهای پنج‌گانه مبتنی بر مبانی فقهی ۴. ارائه پیشنهادهای پژوهشی برای مطالعات آتی	۵ راهبرد کلیدی برای دستیابی به آینده مطلوب و مدیریت سناریوهای نامطلوب

۵. یافته‌ها

۵-۱. مبانی فقهی حکمرانی مقاومت

براساس مطالعه منابع فقهی و بیانات رهبران انقلاب، الگوی حکمرانی مقاومت بر چهار قاعده فقهی اساسی استوار است:

قاعده اول: نفی سبیل

همان‌گونه که پیش از این تبیین شد، این قاعده، نافی هرگونه سلطه کافران بر مؤمنان است. در سطح حکمرانی، این قاعده، استقلال، عزت و عدم وابستگی به نظام سلطه را به‌عنوان یک اصل شرعی و راهبردی تثبیت می‌کند. حکمرانی مقاومت، در سیاست خارجی به معنای نه گفتن به سلطه، در اقتصاد به معنای اقتصاد مقاومتی و در فرهنگ به معنای مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی است (معصومی، ۱۴۰۴، ص ۸۳).

قاعده دوم: وجوب حفظ نظام اسلامی

براساس این قاعده که مستند به ادله نقلی و عقلی فراوان است، هرگونه اقدامی که به تضعیف یا فروپاشی نظام اسلامی منجر شود، حرام است و حفظ و تقویت نظام، واجب شرعی است. در شرایط بحران، این قاعده، اولویت‌های حکمرانی را مشخص می‌کند و به کارگزاران نظام اجازه می‌دهد تصمیمات ضروری و در عین حال شرعی برای حفظ نظام اتخاذ کنند (رادمهر، ۱۴۰۴، ص ۵۵).

قاعده سوم: وجوب دفع ضرر محتمل

براساس قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یا قاعده لاضرر، هرگاه احتمال عقلایی برای ورود ضرر قابل‌توجه وجود داشته باشد، دفع آن ضرر واجب است. در حکمرانی مقاومت، این قاعده، مبنایی برای پیش‌گیری از بحران‌ها، مدیریت ریسک‌ها و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در رویارویی با تهدیدهای آینده است. براساس این قاعده، نباید منتظر وقوع قطعی فتنه‌ها و بحران‌ها بود، بلکه باید با طراحی نظام مقاومت، زمینه‌های وقوع آنها را از بین برد.

قاعده چهارم: نفی حرج

قاعده نفی حرج، بیان می‌دارد که در شریعت اسلام، هیچ حکم تکلیفی حرج‌آوری وجود ندارد. در حکمرانی، این قاعده، به کارگزاران نظام اجازه می‌دهد در شرایط بحرانی که اجرای تمام احکام اولیه ممکن نیست یا موجب حرج و مشقت غیرقابل‌تحمل برای جامعه می‌شود، از احکام ثانویه و عناوین ثانوی مانند اضطرار، عسر و حرج، برای اداره جامعه استفاده کنند. این قاعده، به حکمرانی مقاومت، انعطاف‌پذیری لازم برای رویارویی با شرایط متغیر و بحران‌های غیرمنتظره را می‌دهد (ایزدهی، ۱۴۰۳، ص ۸۷).

جدول زیر، خلاصه‌ای از مبانی فقهی حکمرانی مقاومت را نشان می‌دهد:

جدول۸. مبانی فقهی حکمرانی مقاومت

قاعده فقهی	مستند اصلی	کاربرد در حکمرانی مقاومت
نفی سبیل	قرآن (نساء/۱۴۱)	استقلال، عزت، عدم وابستگی، اقتصاد مقاومتی
وجوب حفظ نظام	ادله نقلی و عقلی	اولویت‌دهی به بقای نظام در شرایط بحرانی
دفع ضرر محتمل	قاعده لاضرر	پیش‌گیری، مدیریت ریسک، تدابیر پیشگیرانه
نفی حرج	قرآن (حج/۷۸)	انعطاف‌پذیری، احکام ثانویه در شرایط بحران

۵-۲. شناسایی پیشران‌های کلیدی

براساس تحلیل بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و نیز بررسی روندهای موجود، مهمترین پیشران‌هایی که آینده نظام اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، عبارت‌اند از:

جدول۹. پیشران‌های کلیدی

پیشران‌های کلیدی	توضیح
۱. انسجام درونی نظام	شامل همبستگی میان قوا، هماهنگی میان نهادهای انقلابی، اجماع نخبگان سیاسی بر سر اصول نظام، سطح مشارکت مردمی و اعتماد اجتماعی به کارگزاران. این پیشران، از مهمترین عوامل تاب‌آوری نظام در برابر بحران‌ها و فشارهای خارجی است.
۲. کارآمدی اقتصادی	شامل توانایی نظام در تأمین معیشت مردم، کنترل تورم، اشتغال‌زایی، رشد اقتصادی و کاهش وابستگی به خارج. اقتصاد مقاومتی و خودکفایی در حوزه‌های راهبردی، از مؤلفه‌های اصلی این پیشران است.
۳. قدرت دفاعی و امنیتی	شامل توان نظامی برای بازدارندگی، امنیت داخلی، مقابله با جنگ‌های ترکیبی، و قدرت نرم و هژمونی گفتمانی در منطقه. جغرافیای مقاومت و محور مقاومت، از مصادیق این قدرت است که در طول چهار دهه، توانسته است به‌عنوان یک جبهه متحد در منطقه شکل گیرد.
۴. سطح فشارهای خارجی	شامل تحریم‌های اقتصادی، فشارهای نظامی، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی و تلاش برای تغییر رژیم توسط قدرت‌های سلطه‌گر. شدت و نوع این فشارها، یکی از مهمترین عدم‌قطعیت‌های پیش روی نظام است.
۵. وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی	شامل تحولات ژئوپلیتیکی در غرب آسیا، سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، تغییرات در نظم بین‌الملل، و موازنه قدرت در منطقه. شکل‌گیری جغرافیای مقاومت در مقابل جغرافیای سلطه، از مهمترین روندهای مؤثر بر آینده نظام اسلامی است.

براساس تحلیل پژوهشگران، جغرافیای مقاومت در مسیر تثبیت و توسعه قرار دارد و تقویت فناوری‌های نوین، توسعه اقتصاد مقاومتی، مدیریت جنگ نرم و تحکیم وحدت اسلامی، از مهمترین راهبردهای پیش روی آن است.

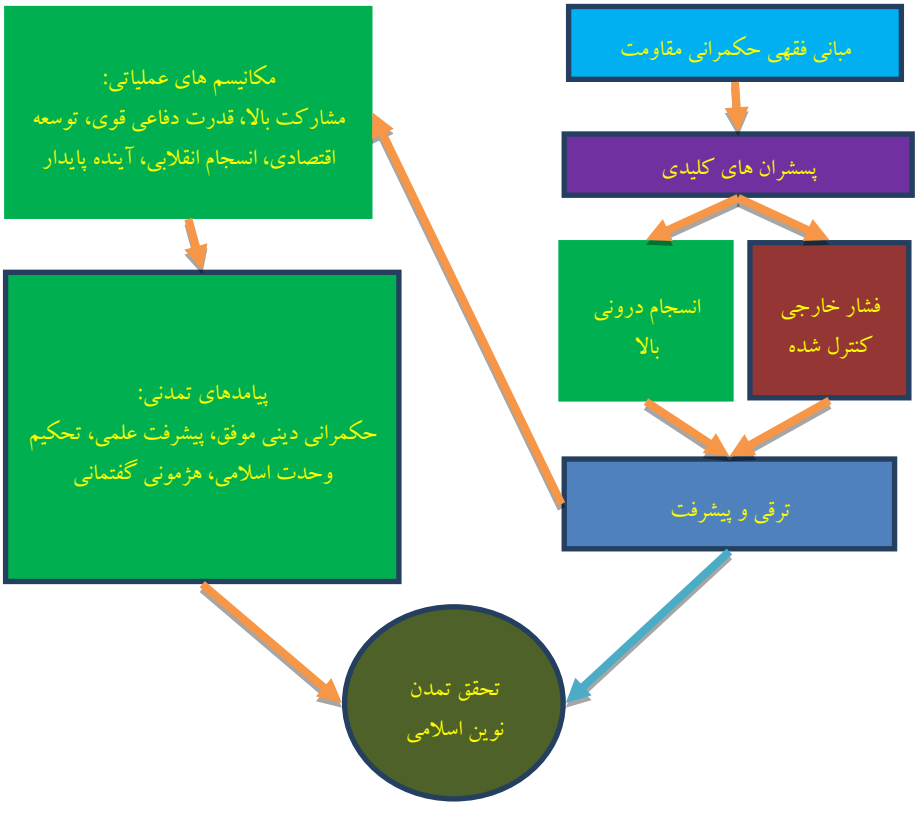
۵-۳. طراحی سناریوهای آینده نظام اسلامی

براساس شناسایی دو عدم‌قطعیت کلیدی، یعنی وضعیت انسجام درونی و وضعیت

فشارهای خارجی، فضای سناریو شکل گرفته و چهار سناریوی اصلی طراحی شده است.

سناریوی اول: ترقی و پیشرفت

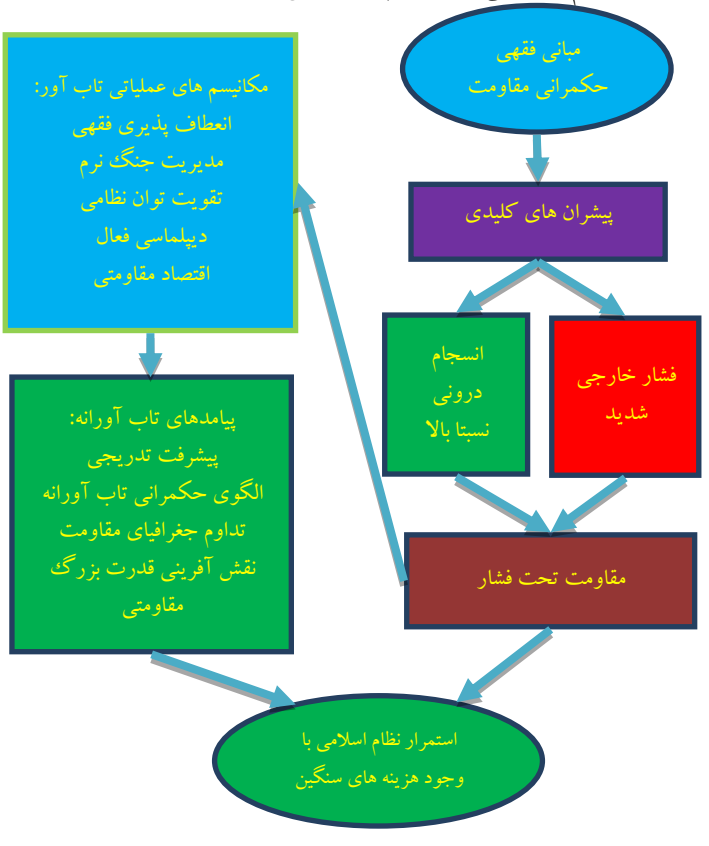
در این سناریو، نظام اسلامی با انسجام درونی بالا و فشار خارجی در سطح متوسط یا کنترل‌شده مواجه است. همبستگی میان قوا، وفاق نخبگان سیاسی، مشارکت بالای مردمی و اعتماد اجتماعی، زمینه‌ساز حل مسائل داخلی و تقویت بنیه اقتصادی و دفاعی نظام می‌شود. در این شرایط، نظام با استفاده از فرصت‌های بین‌المللی و با حفظ استقلال و عزت، به پیشرفت روزافزون دست می‌یابد و در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت می‌کند. این سناریو، منطبق با وعده‌های الهی و سنت‌های تاریخی و آینده مطلوب نظام اسلامی است که در گفتمان انقلاب اسلامی، با عنوان تمدن‌سازی و حکومت عدل جهانی از آن یاد می‌شود.



نمودار۲. سناریوی اول: ترقی و پیشرفت

سناریوی دوم: مقاومت تحت فشار

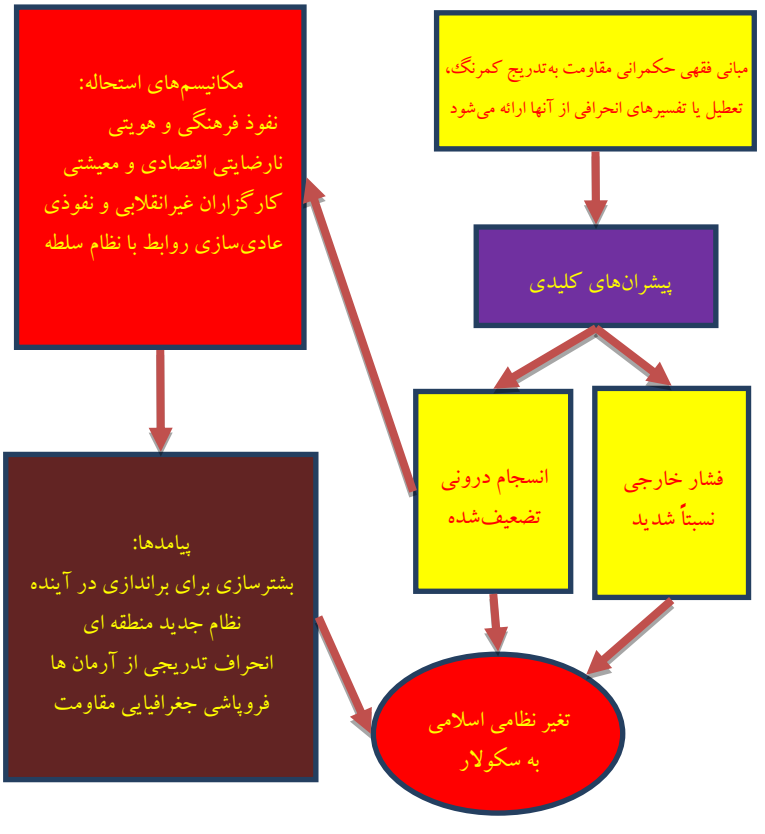
در این سناریو، نظام با فشارهای خارجی شدید و سنگین (تحریم‌های همه‌جانبه، تهدیدات نظامی و جنگ ترکیبی) مواجه است، اما با تکیه بر انسجام نسبی درونی و مدیریت هوشمندانه، توانایی مقاومت و تاب‌آوری را حفظ می‌کند. اقتصاد مقاومتی، دیپلماسی فعال، قدرت دفاعی و بازدارندگی، و جبهه‌سازی منطقه‌ای، از مهمترین ابزارهای نظام در این سناریو است. نظام اسلامی در این سناریو، اگرچه با هزینه‌های سنگین روبه‌روست، اما استمرار می‌یابد و از فروپاشی جلوگیری می‌کند. این سناریو، براساس شواهد و روندهای موجود، محتمل‌ترین سناریوی پیش‌روی نظام اسلامی است. تجربه چهار دهه اخیر، بویژه موفقیت نظام در مقاومت در برابر جنگ تحمیلی، تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ نرم، گواهی بر امکان‌پذیری این سناریو است.



نمودار۳. سناریوی مقاومت تحت فشار

سناریوی سوم: استحاله

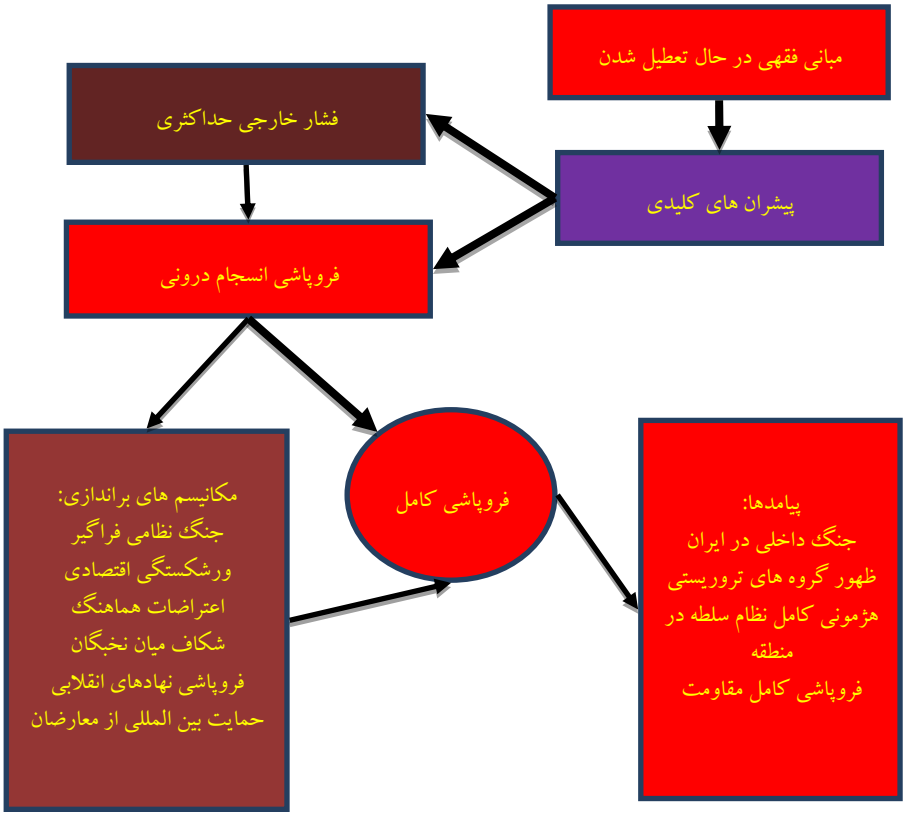
در این سناریو، فشارهای خارجی نسبتاً شدید، همراه با تضعیف تدریجی انسجام درونی، هویت اسلامی و باورهای انقلابی جامعه، موجب تغییر ماهیت نظام از درون می‌شود. کارگزاران نظام، بتدریج اصول و ارزش‌های انقلابی را کنار گذاشته و به سمت سکولاریسم و وابستگی به نظام سلطه حرکت می‌کنند. نظام در این سناریو، اگرچه ظاهر خود را حفظ می‌کند، اما محتوای خود را از دست می‌دهد و به نظامی غیراسلامی و وابسته تبدیل می‌شود. استحاله، تهدیدی نرم‌افزاری و فریبنده‌تر از براندازی است، زیرا با حفظ ظاهر و تغییر باطن، زمینه را برای انحراف تدریجی نظام فراهم می‌آورد. این سناریو، با تأکید بر شکنندگی‌های اجتماعی، نارضایتی‌های اقتصادی و نفوذ فرهنگی دشمنان، قابل تصور است.



نمودار۴. سناریوی استحاله

سناریوی چهارم: براندازی

در این سناریو، فشارهای خارجی حداکثری (جنگ نظامی همه‌جانبه، تحریم‌های فلج‌کننده، عملیات‌های روانی گسترده) با فروپاشی انسجام درونی (تفرقه قوا، اختلافات شدید نخبگان، خیزش‌های مردمی هماهنگ) همراه می‌شود و نظام اسلامی با فروپاشی مواجه می‌شود. این سناریو، اگرچه با توجه به قدرت دفاعی و تاب‌آوری بالای نظام، کم‌احتمال‌ترین سناریو است، اما به دلیل شدت عدم‌قطعیت‌های موجود، نباید از آن غافل شد. تحلیل‌گران راهبردی، براساس تجربه سایر کشورهای منطقه (مانند عراق، سوریه، لیبی و یمن) و روندهای موجود، این سناریو را هرچند ضعیف، اما غیرقابل‌انکار می‌دانند.



نمودار۵. سناریوی براندازی

جدول زیر، خلاصه‌ای از سناریوهای طراحی‌شده را نشان می‌دهد:

جدول۱۰. خلاصه سناریوها

سناریو	انسجام درونی	فشار خارجی	پیامدها
ترقی و پیشرفت	بالا	متوسط یا کنترل‌شده	تمدن‌سازی، پیشرفت، تحقق اهداف
مقاومت تحت فشار	نسبتاً بالا	شدید	تاب‌آوری، استمرار با هزینه
استحاله	تضعیف‌شده	نسبتاً شدید	تغییر ماهیت، وابستگی
براندازی	فروپاشی‌یافته	حداکثری	فروپاشی نظام

۵-۴. پیامدهای هر سناریو

هر یک از سناریوهای چهارگانه، پیامدهای متفاوتی برای نظم سیاسی، امنیتی و تمدنی منطقه و جهان به همراه خواهد داشت: در سناریوی ترقی و پیشرفت: نظام اسلامی به‌عنوان الگوی حکمرانی دینی موفق، به افزایش هژمونی گفتمانی خود در سطح منطقه و جهان دست می‌یابد. جغرافیای مقاومت گسترش یافته، وحدت اسلامی تحکیم می‌شود و زمینه برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌آید. در سناریوی مقاومت تحت فشار: نظام اسلامی با وجود هزینه‌های سنگین، به حیات خود ادامه می‌دهد و به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، در موازنه‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند. جغرافیای مقاومت با وجود فشار، تداوم می‌یابد، اما توسعه آن با سرعت کمتری پیش می‌رود. در سناریوی استحاله: نظام اسلامی، ماهیت انقلابی و هویت اسلامی خود را از دست داده و به نظامی سکولار و وابسته تبدیل می‌شود. جغرافیای مقاومت فروپاشی می‌کند و جبهه‌های مقاومت در منطقه، پشتوانه اصلی خود را از دست می‌دهند. نظم جدیدی در منطقه شکل می‌گیرد که تحت سلطه نظام سلطه خواهد بود. در سناریوی براندازی: فروپاشی نظام اسلامی، موجب بی‌ثباتی گسترده در منطقه، جنگ‌های داخلی، ظهور گروه‌های افراطی و هژمونی کامل نظام سلطه

بر منطقه می‌شود. این سناریو، فاجعه‌بارترین و نامطلوب‌ترین آینده برای نظام اسلامی و امت اسلامی است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوی حکمرانی مقاومت بر چهار قاعده فقهی اساسی استوار است که در تعامل با یکدیگر، چارچوبی منسجم برای حکمرانی دینی در عصر غیبت ارائه می‌دهند.

الگوی حکمرانی مقاومت، چارچوبی نظری-عملیاتی است که برآمده از بنیان‌های فقهی مستحکم و عینی‌شده در تجربه انقلاب اسلامی است و ظرفیت پاسخ‌گویی به آینده‌های نامتعین نظام اسلامی را دارد. این الگو، برخلاف الگوهای سکولار حکمرانی که بر مبانی انسان‌محور و زمینی استوارند، ریشه در شریعت الهی و آموزه‌های وحیانی دارد و استقامت را به‌عنوان راهبرد اصلی در مسیر تحقق اهداف متعالی شریعت و تمدن نوین اسلامی ترسیم می‌کند. چهار قاعده فقهی نفی سبیل، وجوب حفظ نظام، دفع ضرر محتمل و نفی حرج، در یک نظام هماهنگ و منسجم، چارچوب نظری حکمرانی مقاومت را شکل می‌دهند. قاعده نفی سبیل، جهت‌گیری اصلی و اهداف راهبردی را تعیین می‌کند. قاعده وجوب حفظ نظام، اولویت‌های حکمرانی را در شرایط تزاحم مشخص می‌سازد و بقا و استمرار نظام را به‌عنوان یک اصل حیاتی تثبیت می‌نماید. قاعده دفع ضرر محتمل، رویکرد پیشگیرانه و آینده‌نگر را به حکمرانی می‌دهد. و قاعده نفی حرج، انعطاف‌پذیری عملیاتی و قابلیت تطبیق با شرایط متغیر را فراهم می‌آورد. براساس ترکیب دو عدم‌قطعیت کلیدی انسجام درونی و فشار خارجی، چهار سناریوی محتمل برای آینده نظام اسلامی قابل تصویر است: سناریوی مطلوب ترقی و پیشرفت با انسجام بالا و فشار متوسط، سناریوی محتمل مقاومت تحت فشار با انسجام نسبتاً بالا و فشار شدید، سناریوی نامطلوب استحاله با انسجام تضعیف‌شده و فشار نسبتاً شدید و سناریوی فاجعه‌بار براندازی با فروپاشی انسجام و فشار حداکثری. از میان این سناریوها، مقاومت تحت فشار براساس شواهد و روندهای موجود، محتمل‌ترین سناریوی پیش‌روی نظام اسلامی است و سناریوی ترقی و پیشرفت به‌عنوان آینده مطلوب، نیازمند مجاهده و تلاش مستمر است.

ارتباط منطقی میان یافته‌ها و اهداف پژوهش، در آن است که اهداف سه‌گانه پژوهش به‌طور کامل محقق شده و مدل مفهومی ارائه‌شده، نشان‌دهنده پیوند نظام‌مند میان مبانی فقهی به‌عنوان متغیر مستقل، پیشران‌های کلیدی به‌عنوان متغیرهای میانجی، سناریوها به‌عنوان خروجی اصلی و راهبردهای کلیدی به‌عنوان خروجی کاربردی است. این مدل، برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا تنها به تبیین مبانی فقهی پرداخته‌اند یا فقط به سناریونویسی، رویکردی یکپارچه و نظام‌مند ارائه می‌دهد.

پیشنهادها

۱. تدوین شاخص‌های عملیاتی و کمی برای سنجش پیشران‌های کلیدی؛
۲. طراحی مدل‌های کمّی و شبیه‌سازی سناریوها؛
۳. آسیب‌شناسی فقهی‌سیاسی سناریوی استحاله؛
۴. بررسی تطبیقی الگوی حکمرانی مقاومت با الگوهای مشابه در سایر کشورهای اسلامی؛
۵. توسعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی‌فقهی؛
۶. تقویت فقه حکومتی و نهادسازی آینده‌نگر؛
۷. مدیریت جنگ نرم و تقویت هویت دینی- ملی؛
۸. توسعه اقتصاد مقاومتی با رویکرد پیشگیرانه.

منابع

آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو. (۱۴۰۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.

ایزدهی، سیدمهدی. (۱۴۰۳). نسبت فقه و حکمرانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ابراهیمی سرو علیا، عاطفه. (۱۴۰۱). نقش قاعده نفی سبیل در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی و روابط بین‌الملل. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵ (۱۲)، صص ۴۵-۲۴.

بهروزی لک، غلامرضا؛ دهکردی، علی‌جعفر. (۱۳۹۸). مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن کریم. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲ (۱)، صص ۳۳-۳۸۶.

پارسامهر، تقی. (۱۳۹۸). گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب‌آورسازی جامعه ایرانی در مقابل عدم‌قطعیت‌های آینده. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲ (۲)، صص ۱۵۸-۱۱۷.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۲). حکمت متعالیه و حکمرانی دینی. قم: اسراء.

حکیمی، محمد؛ انفتاری، اصغر. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های مفهومی مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای. انقلاب اسلامی، ۲۶(۴۱)، صص ۴۲-۲۰.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۴۰۳). بیانات در دیدار با مسئولان نظام. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.

خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۴۰۴). مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۶۷). صحیفه نور (ج۱۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خسروی، محمد. (۱۴۰۱). نظریهٔ جهاد ذبّی در اندیشهٔ آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی و نسبت آن با فقه مقاومت. مطالعات فقه سیاست، ۴(۲)، صص ۵۷-۳۰.

درگاهی، مهدی. (۱۴۰۲). چیستی «راهبرد مقاومت» در اندیشه مقام معظم رهبری و تحلیل مبانی عقلی آن از منظر فقه سیاسی. حکومت اسلامی، ۲۸ (۲)، صص ۲۳-۱.

رادمهر، محسن. (۱۴۰۴). سناریوهای جغرافیای مقاومت در برابر جغرافیای سلطه با الهام از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب. مطالعات انقلاب اسلامی، ۶ (۴)، صص ۶۷-۴۴.

طباطبایی، علیرضا. (۱۳۹۷). حکمرانی فضای مجازی و قاعده فقهی «نفی سبیل» با تأکید بر بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران. معرفت سیاسی، ۱۰ (۲)، صص ۷۱-۹۴.

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۱). سناریوهای آینده انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۱-۳۴.

فضلی روزبهانی، محسن. (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی فقه اسلامی در علوم سیاسی. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول. صص ۱۸-۱.

لک‌زایی، نجف. (۱۴۰۳). حکمرانی مقاومت و مؤلفه‌های قرآنی آن با تأکید بر سیره شهید سلیمانی. مطالعات بیداری اسلامی. ۷ (۳)، صص ۸۲-۵۸.

معصومی، سیدابراهیم؛ فاضلی، امیر. (۱۴۰۴). قاعده نفی سبیل؛ مبنای فقهی مقاومت سیاسی در فقه شیعه. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴ (۳)، صص ۷۲-۹۰.

مومنی، عابدین؛ رضازاده، سیدحنیف. (۱۴۰۲). فقه حکومتی و بسط گفتمان مقاومت فرهنگی. فقه اجتماعی، ۱۱ (۲)، صص ۳۱۱-۳۳۶.

موسوی‌زاده، سیدابوالفضل. (۱۴۰۴). چشم‌انداز آینده‌پژوهی پیشرفت علمی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی براساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، صص ۳۳-۴۶.

نادری بنی، احسان. (۱۴۰۱). رویکرد نخبگانی و آینده تمدن اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵ (۱)، صص ۱۲۳-۱۶۰.